

چرخه

ویژه نامه نوروز
فروردین ۱۴۰۰

نوروز باستانی

علمی نظری حقیقی



گردآورنده:
محمدامین عبیدی قمی

دانشگاه صادرکننده مجوز: زمینۀ انتشار ماهنامه:
دانشگاه تهران فرهنگی-اجتماعی
سیاسی، اقتصادی، هنری، ادبی، علمی

صاحب امتیاز | طراح | صفحه آرا: مدیرمسئول:
محمدامین عبیدی قمی فاطمه سادات موسوی

سردبیر: ویراستاری:
نوید قربانی پرهام نکوطلبان

گروه آثار هنری: محمدامین عبیدی قمی
امیرحسین ناظمی زهرا شیرمحمد
مهناز اسدزاده

تاریخ انتشار این شماره:
۱۳ فروردین ۱۴۰۰ - ویژه نامه نوروز

CharkheSJ.ut.ac.ir

@Charkhe_ut

Charkhe





بسم الله الرحمن الرحيم

بناهم پروردگار ایدانزمین

زمان آن چنان بی رحمانه و دیوانه وار می گذرد که اگر ۹۹ کرونایی نبود و خانه نشینی هایمان طولانی مدت تر و سفر و دید و بازدیدهای مان کمتر نمی بود اصلاً متوجه نمی شدیم چگونه پسردختر بچه های متولد دهه هشتاد در وادی ۲۰ سالگی قرار دارند؟!


اگر کلاس های درسی مان مجازی نبود و پشت سیستم معیوب الکترونیکی دانشگاه، سفید شدن تار به تار موهایمان را مشاهده نمی کردیم شاید گذر زمان را اصلاً حس نمی کردیم.

اگر بهار را به انتظار رسیدن تابستان و گرمای هوا و تمام شدن کرونا نمی شستیم، اگر پاییز را چشم به راه واکسن نبودیم و اگر روزهای آخر اسفند به این فکر نمی کردیم که دیگر ۱۴۰۰ از دست این ویروس لعنتی رهایی می یابیم، زمان با شتاب بیشتری هم حرکت می کرد.

۹۹ کرونایی در کنار تمام اتفاقات تلخ و تجربه هایش، حسرت روزهایی که قدرشان را نمی دانستیم برای مان به همراه داشت.

۹۹ به اتمام رسید و ۱۴۰۰ را با نور امید و زندگی آغاز می کنیم، نوروز را فرخنده می داریم و بهار را بهانه ای برای به یاد آوردن قدرت و اراده مان برای تغییر و دگرگونی قرار می دهیم .

بر چهره ی گل نسیم نوروز خوش است * در صحن چمن روی دل افروز خوش است
از دی که گذشت هرچه گویی خوش نیست * خوش باش و ز دی مگو، که امروز خوش است
عمر خیام



ای دگر کون کنده دل ها و دیدها
ای چرخانده می شب ها و روزها
ای کرداننده سال ها و روانها
بگردان روان ما را به نکوترینها

معلى بن خنيس از امام صادق عليه السلام، روايتى را نقل کرده که در آن ضمن بزرگداشت نوروز، وقایع مختلف تاريخى بر نوروز منطبق شده است. متن روايت يادشده از اين قرار است:

معلى بن خنيس گوید: در روز نوروز بر امام صادق عليه السلام وارد شدم، ایشان فرمودند که آیا این روز را می شناسی؟
عرض کردم: فدایت گردم این روز، روزی است که عجمان (ایرانیان) آن را گرامی داشته و به یکدیگر هدیه می دهند.
امام صادق عليه السلام فرمودند: قسم به خانه عتیقی که در مکه هست این (تعظیم و هدیه دادن) ریشه طولانى و قدیمی دارد و برای تو آن را توضیح می دهم تا از آن مطلع شوی.

گفتم: ای آقای من چنانچه این مطلب را از تو بیاموزم برای من بهتر از زنده شدن مردگانم و مردن دشمنان من است.
حضرت فرمود: ای معلى! نوروز، روزی است که خداوند در آن از بندگان خویش میثاق گرفت که جز او را عبادت و پرستش نکرده و به او شرک نوزند و به فرستادگان و پیامبرانش و نیز ائمه هدی ایمان بیاورند. نوروز اولین روزی است که خورشید در آن طلوع کرد و باد در آن وزیدن گرفت و در آن روز درخشندگی زمین خلق شد. نوروز روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی کناره گرفت و نوروز روزی است که افرادی که از خانه های خود خارج شده و به آزمایش الهی از دنیا رفتند، مجدداً به دنیا بازگشتند. در این نوروز است که جبرئیل بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نازل شد و درست در همین روز است که پیامبر اسلام، حضرت علی را بر شانه خود گذاشت تا او بتهای قریش را از بیت الحرام پایین کشید و آنها را درهم شکست.

نوروز روزی است که پیامبر به اصحابش دستور داد تا در مورد خلافت و ولایت مؤمنان با حضرت علی عليه السلام بیعت کنند و در همین نوروز بود که پیامبر صلی الله علیه و آله علی عليه السلام را به سوی جنیان فرستاد برای او از آنان بیعت بگیرد. نوروز روزی است که برای حضرت علی بیعت مجدد گرفته شد و نوروز روزی است که حضرت علی عليه السلام بر اهل نهروان پیروز شد و ذوالئذیه را کشت و نوروز روزی است که قائم ما در آن روز ظاهر می گردد و بالاخره نوروز روزی است که قائم ما در این روز بر دجال پیروز می شود و او را بر زباله دان کوفه آویزان می کند و هیچ نوروزی نیست مگر آنکه ما در آن روز توقع ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، را داریم چرا که این روز، از روزهای ما و شیعیان ما است که عجم (ایرانیان) آنرا گرامی داشته ولی شما آنرا ضایع نمودید ...!

(۱) معلى بن خنيس قال: دخلت على الصادق جعفر بن محمد، عليه السلام، يوم النيروز فقال، عليه السلام، اتعرف هذا اليوم؟ قلت: جعلت فداك، هذا يوم تعظمه العجم و نهادهای فيه، فقال ابو عبد الله الصادق، عليه السلام، والبيت العتيق الذى يمكة ما هذا الامر قديم افسره لك حتى تفهمه، قلت: يا سيدى ان علم هذا من عندك احب الى من ان يعيشت اموالى و تموت اعدائى! فقال: يا معلى! ان يوم النيروز هو اليوم الذى اخذ الله فيه مواليك العباد ان يعبدوه و لا يشركوا به شيئا و ان يؤمنوا برسالة و حججه، و ان يؤمنوا بالآله، عليه السلام، و هو اول يوم طلعت فيه الشمس، و هبت به الرياح، و خلقت فيه زهرة الارض، و هو اليوم الذى استوت فيه سفينة نوح، عليه السلام، على الجودي، و هو اليوم الذى احبب الله فيه الذين خرجوا من ديارهم و هم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احياهم و هو اليوم الذى نزل فيه جبرئيل على النبي صلى الله عليه وآله و هو اليوم الذى حمل فيه رسول الله صلى الله عليه وآله امير المؤمنين على، عليه السلام، منكبه حتى رمى اصنام قریش من فوق البيت الحرام فهشمها، و كذلك ابراهيم، عليه السلام، و هو اليوم الذى امر النبي، صلى الله عليه وآله، اصحابه ان يبايعوا عليا، عليه السلام، بامر الله المؤمنين، و هو الذى وجه النبي، صلى الله عليه وآله، عليا الى وادى الجن ياخذ عليهم بالبيعة له، و هو اليوم الذى بويع لامير المؤمنين، عليه السلام، في البيعة الثانية، و هو اليوم الذى طفر فيه باهل النهروان و قتل ذالئذيه و هو اليوم الذى يظهر فيه قائمنا و ولاة الامر و هو اليوم الذى يظهر فيه قائمنا بالجال فيملبه على كاسة الكوفة، و ما من يوم نيزر الا و نحن نتوقع فيه الفرج، لانه من ايامنا و ايام شيعتنا، حفظه العجم و شيعتمو انتم ...

سنگ نگاره پیشکش ارمنیان در نوروز

آپادانا (تخت جمشید)



۶ دقیقه

نوروز باستانی

علمه نظریه حقیقه

پروفسور فارابی دانشگاه تهران



نوروز را کهن یادگار ایران می دانم. زمانی در این جغرافیایی که خاورمیانه نامند تماماً آداب ایرانی پابرجا بود و مردمان صرف نظر از زبان و نژاد خود ایرانی خوانده می شدند. این مردم جشن های بسیاری را برپا می داشتند که همه ریشه در باورهای دینی آنان و ارتباطی عمیق با سبک زندگی شان داشته. در بین این جشن ها نوروز همواره جایگاه والای خود را نگه داشته است.

نمی توانم اهمیت سده و مهرگان را در گذشته ی ایران انکار کنم اما باید پذیرفت که از این دو جشن تنها کالبدی بی جان برجای مانده، نوروز است که در سایه ی حملات پی در پی باقی مانده و کماکان در جاهایی که اسمی از ایران هم برده نمی شود حفظ شده است.

مدخلی بود بر نوروز و سالگرد آفرینش انسان بود و جشن این گاه پرشکوه‌تر از همگان بود. اساطیر دیگری مانند **ایزد رپیتوین** هم در نوروز نقش فراوان داشتند. این ایزد در فصل سرما به زیر زمین می‌رود تا آب‌های زیرزمینی را گرم نگاه دارد تا گیاهان زنده بمانند. در بهار او دوباره به زمین می‌آید. بخشی از مراسم نوروزی تقدیم این ایزد می‌شده است.

در پایان ۵ روزه سال که گفتیم مردم همواره جشن می‌گرفتند. اینان بر آن بودند که فروهرهایشان^۱ در این ۵ روز به سراغشان می‌آید و برای همین در این ۵ روز خانه‌ها را آراسته می‌کردند. از خانه بیرون نمی‌رفتند تا فروهرها خانه‌ها را خالی نیابند و چراغ خانه‌ها را روشن می‌گذاشتند. در پایان این ۵ روز و شب نوروز

(۱) فروهر روحی بود که همزاد آدمیان بوده پیش از آفرینش جسمشان و پس از مرگ آنان به جهان دیگر می‌رود. ابتدائاً مردم باور داشتند که فقط پهلوانان این روح را دارند ولی بعدتر مومنان هم دارای فروهر دانستند. فروهرها سالی یکبار در آغاز فروردین به زمین می‌آمدند.

فروهر در فرهنگ اسلامی نیز بصورت «گوهر» و نور پروردگار که در تمامی اجسام خلقت به خصوص انسان حضور دارد دیده می‌شود.

آنچه در ایران بعدتر متداول می‌شود سال‌شمار ۱۲ ماهه‌ای است که نام ماه‌هایش را ما نیز امروز بکار می‌بریم. این ماه‌ها هر کدام ۳۰ روز داشتند که این روزها نیز خودِ نام‌هایی داشتند که بعضاً برابر با نام‌های ماه‌ها بود، مثلاً مهر و آذر. در این سال‌شماری سال به ۴ فصل تقسیم نمی‌شد. تقسیم‌بندی‌های مشاهده شده به صورت تابستانی ۷ ماهه و زمستانی ۵ ماهه بودند و یا صورت‌های دیگری که آوردنشان موجب اطالهی کلام است. یک تقسیم معروف‌تر از بقیه است و آن تقسیم سال به ۶ بخش نابرابر است. **بنابر اساطیر باستانی، ۶ گاه وجود داشته که در هر کدام بخشی بزرگ از آفرینش خلق شده و در یک سال این ۶ گاه را مردم ایران باستانی جشن می‌گرفتند. ۶ گاهی**

که در آن آسمان، آب، زمین، گیاه، چهارپای سودمند و مردم خلق شدند. این ۶ روز خود مبنای جشن‌هایی می‌شدند. این گاه پایانی ۵ روز آخر سال یعنی ۵ روز کبیسه را دربر می‌گرفت. این ۵ روز

نخست: سال شماری

به‌هرروی، در این نوشتار برآنیم تا این جشن را مورد بررسی تاریخی به‌خصوص در دوران باستانی قرار دهیم. ابتدای امر به سال‌شماری می‌پردازیم. زمانی در میان ایرانیان، مانند بسیاری از مردمان باستانی، سال‌شماری به صورت قمری انجام می‌گرفت. این باور وجود داشت که چون ماه در شب درخشنده و راهنماست اهمیت آن از خورشید بیشتر است. بعدتر با الگوبرداری از تقویم مصری سال را عبارت از ۳۶۰ روز می‌دانستند که متشکل بود از ۱۲ ماه ۳۰ روزه که ۵ روز کبیسه نیز داشت. مقداری کسری هم در این سال‌شماری وجود داشت که روزهای ماه را هر ۴ سال یک روز به عقب می‌برد. این کسری‌ها را یکجا جمع می‌کردند و هر ۱۲۰ سال ماهی سیزدهم افزوده می‌شد و در این ماه همه شادی و جشن برقرار بود و مالیات‌ها بخشیده می‌شد و شاید بر همین بود که اکنون نیز آرزو می‌کنیم که عزیزانمان ۱۲۰ ساله شوند.

همه‌ی آنان جمشید است. مورد زیبایی که نشان از هولناکی خشک‌سالی دارد این است که مدت‌ها در ایرانشهر باران نبارید، چون جمشید بر تخت نشست باران فراوان بارید. این بود که مردم این روز را نوروز خواندند. بنابراین **جمشید اسطوره‌ی کلیدی نوروز است**. ما

می‌دانیم که کاری بسیار خشک‌مغزانه و در عین حال ساده‌انگارانه است که اساطیر را صرفاً داستان کودکی انسان بینگاریم و رد واقعیت را در آن نبینیم و آن را خرافات بدانیم. این نگرش صرفاً در دو سده‌ی پیش از محافل دانشگاهی رخت بر بسته اما کماکان **خشک‌مغزان مذهبی بر آنند که نوروز را خرافات بخوانند چون مبنایی اسطوره‌ای دارد**. پاسخ‌های داده شده به اینان بسیار است. خواننده‌ی گرامی بداند که ما هرگز اساطیر را خرافات محض نمی‌دانیم. این‌ها بخشی مهم و چه بسا طولانی‌تر از تاریخ نانوشته (غیرمکتوب) را در خود دارند و سهل‌انگاریشان رد کردن بخش بزرگ تاریخ است. وقایعی رخ داده که گویی منجر شد انسان کهن

بر بام‌ها آتش‌بازی می‌کردند که هم این نشانی بود برای فره‌رها و هم نشانی بود برای آمدن سال نو و خبر دادن آن به دیگران.

نوروز گرچه نامی در اوستا ندارد اما در کتاب‌های پهلوی بسیار از آن یاد شده و اهمیتی فراوان‌تر از همه‌ی جشن‌ها داشته و در تخت جمشید نیز ردپایی از آن بارز است؛ تا جایی که عده‌ای به غلط گمان برده‌اند تخت جمشید بنا شد تا فقط نوروز را در آن پاس بدارند.

دوم: پیدایش نوروز

در باب پیدایش نوروز سخن‌های بسیاری آمده و نوروز و جمشید هر دو در هم تنیده شده‌اند. **در این روز جمشید گویی به نبرد با اهریمنان رفت و شوربختی زمین را به پایان رساند**. بعد بازگشتش چون خورشید به زمین بازگشت و نور از او ساطع می‌شد. این صحنه مردم را بر آن داشت که فریاد زنند: نوروز، نوروز. روایات دیگری مبنی بر کشف نیشکر، مقدر کردن اوزان و سایر داستان‌ها موجود است. جان مشترک

سوم: ریشه‌ی نوروز

هم عرض نوروز، در بابل نیز جشنی مانند **زگموگ** برگزار می‌شده. مراسم‌های نوروز را با **آدونیس**، **آتیس** و **تموز** همسان کرده‌اند. بنظر من، نوروز ریشه‌هایش بازمی‌گردد به زمان یک‌جانشینی مردم فلات ایران. همان‌طور که می‌دانیم، قبل آن این مردمان کوچ‌نشین بودند و برای زمین حاصل‌خیز مهاجرت‌های فراوان می‌کردند پس از این جهت دغدغه‌ی زیادی به جهت خشک‌سالی نداشتند اما پس از یک‌جانشینی، این مردم با منظره‌ی هولناکی چون خشک‌سالی روبرو می‌شدند. چیزی که بسیار برای انسان قرون قدیم وحشتناک بود اما در گذر زمان بر آن غلبه

می‌داند که ترکان نیز در آن مقطع تاریخی تمام طبقه حاکم فلات مرکزی و مراتب والای حکومتی را در اختیار داشتند.

باید خاطر نشان کرد که این کتاب منبع بسیار مهمی برای نوروزشناسی بوده و در آن به آیین‌های شاهان کهن به دقت اشاره شده. این اثر را به خیام نسبت داده‌اند و در دیباچه آن اندیشه‌های خیامی قابل مشاهده است.

پنجم: جمع بندی

این بود شرحی مختصر از نوروز باستانی، نگاهی به ریشه‌ها و تاریخ آن. امروزه هر چند نام ایران از بسیاری از کشورهای فلات ایران و ایران بزرگ رخت بر بسته ولی نوروز همچنان پابرجاست، از این جمله است عراق، افغانستان، ازبکستان، پاکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، بخش‌هایی از روسیه، ترکیه، حتی بین تاتارهای کریمه نیز این جشن مشاهده می‌شود.

در پایان جا دارد که از بانو ژاله آموزگار کمال تشکرات را به عمل آورم که نوشتارهای ایشان کمک بسیاری در نگارش این نوشتار به بنده کرد.

با رسوم خاص خود نوروز را پاس می‌داشتند و این هویت یکسانی که در دوران ساسانی برای همگان آشناست در نوروز در بالاترین حد متبلور می‌شد. **گویند که در نوروز بود که شاهان به مردم بار می‌دادند تا بیایند و از مشکلات خود بگویند و دعاوی خود را نزد شاه می‌آوردند. در این روز شاه هم قضاوت می‌شده است.**

در آهنگ‌هایی که در دوران پسااسلامی به جا ماند بسیار دیدیم که نوروز چه اندازه سهم داشته و در نام بسیاری از آهنگ‌ها نوروز جای دارد. در باب هفت سین و هفت شین قبلا بسیار گفته شده. عده‌ای بر آنند که هفت میم هم وجود داشته و عبارت بوده از مرغ، مویز، ماست، ماهی و

موضوع دیگر را نویسنده‌ی **نوروزنامه** به آن اشاره کرده و آن واجب شمردن نوروز بر همه مردم تحت لوای سلجوقیان است و آنرا علاوه بر همه ایرانیان بر رومیان که به تازگی پس از نبرد ملازگرد ضمیمه‌ی خاک شده بودند و بر خود ترک‌ها لازم

یافته‌اند. کسی نمی‌داند چه اتفاقاتی در آن مقطع رخ داده اما سعی در استخراج موارد مشهود نمودم. مردم ایران از آنجا که سابقا کوچ‌نشین بودند و سنت شفاهی را بسیار گرامی می‌داشتند همچون سایر برادران خود یعنی مردم شمال هند، داستان‌هایشان را تا مدت‌ها مکتوب نکردند و این باعث شد تا بسیاری از موارد حالتی اساطیری یابد. این مورد در مورد تاریخ هخامنشی هم سابقا توسط بنده به اشاره رفت. حال نوروز که ریشه در یک‌جانشینی مردم ایران دارد و به‌نظر برای مدت‌ها قبل است مطالعه‌اش بسیار دشوارتر است.

چهارم: اسناد نوروز

گزارش‌های به‌جامانده از نوروز در دوران هخامنشی و اشکانی محدودتر از دانسته‌های ما از زمان ساسانی است. می‌دانیم که بسیاری از ایرانیان آن را ارج می‌نهند. **همه‌ی دانسته‌های اعراب از نوروز برمی‌گردد به شیوه جشن گرفتن آن دوران ساسانی.** از قفقاز تا نقاط مرکزی فلات ایران همه



سال نوی یک هزار و سیصد و چهار صد خجسته!

سال نو خجسته

به نام اون خدایی که و پلاستیک
آفریده ما رو دستکش‌های
ساخته زمین و جنگل، ماه لاتکس هم
و ستاره‌ها رو به مشام
سلام به تو ای عزیز که نمی رسد .
هستی خوب و تمیز این روزها
سلام به تو که حالا داری مردم کشور
می خندی ریزریز به چند گروه

(منتسب به پنگول از تقسیم شده‌اند:

برنامه‌ی رنگین کمان) گروهی مشغول

برای متفاوت سلام کردن ورود به لینک‌های

در صورت استقبال شما ارسالی از سمت امثال

به عموپورنگ هم رحم منیرخانم‌ها دایی کاظم‌ها

نخواهیم کرد.

در حالی به استقبال سال

۱۳۴۰۰ می‌رویم که نه

تنها بوی عیدی، بوی

توپ، بوی کاغذرنگی و حتی

به‌علت خسته‌شدن از هر

دستورالعمل، بوی الکل

و حتی یک سال هم از اول
شدن دست نمی‌کشند،
این کمال‌گرایهای شیطان!
گروهی دیگر اخترشناس،
فیزیک‌دان و نماینده‌ی
سیار موسسه‌ی ژئوفیزیک
دانشگاه تهران در حال

و روبه‌رو شدن با یک
مشت گل محمدی و یا
حاجی فیروز با حرکات
موزون هستند. این گروه
همواره نخستین گروهی
هستند که سال جدید را
به شما تبریک می‌گویند



به همه‌ی اساتید امیدوارم اگر در این ایام هم بی‌خیال دانشجو نشدید، در منزل بعد از استشمام بوی قورمه‌سبزی با خورش کرفس روبه‌رو شوید که این سزای نامردان است. انصافاً در این ایام بهتر بود که نگرانی‌های ما مردم عادی مواردی مثل: «سیزده‌به‌در زود برویم تا جاهای سایه‌دار را کسی نگیرد» باشد و دغدغه‌ی مردمان خطه خراسان این باشد که آیا واکسن زدن یک خانم دکتر به یک آقا حرام است یا خیر؟ نه این که آیا موهای وزیر جوان زیر باران خیس شده بود یا خیر؟ آیا س.م کنسرت‌های خود را از بیم دستگیری کنسل کرد؟ و آیا خوردن گوشت قرمز و میوه نشانه‌ی پر توقعی ماست؟ در آخر آن که: خدایا تو رو خدا حول حالنا نه مثل پارسال! و دوستان امیدوارم در سال جدید حتی اگر بنا بود یک اتفاق خوش برایمان باشد، آن باشد که آروم بگیگیریم!

تلویزیون‌بین‌ها هستیم که از تماشای شبکه‌ی چهار که حافظ و سعدی را از فرط بی‌مهمان بودن دعوت می‌کند هم نمی‌گذریم اما انصافاً مجری و مهمان‌های برنامه جوری به یکدیگر احترام می‌گذارند و آخر سالی لبخند می‌زنند و کت و شلوار شیک دارند که انگار نه‌انگار ما دومین مردم عصبانی جهان هستیم و گویی همه‌ی نزاع‌های خیابانی و همه‌ی مردم عبوس در مترو و اتوبوس و همه‌ی فحاشان در فضای مجازی من و بابام بودیم و مزاحم شما توریست‌های ساکن مونیخ شدیم. باری، اگر دانشجوی حقیقی هستید و امرار معاش می‌دانید، به‌جای حاضر شدن در کلاس و عرض ارادت به استاد، همین روزهای آخر ماهی قرمز و سبزه بفروشید که هم سود بیشتری دارد هم اساتید را به تشکیل کلاس تشویق نمی‌کنید و نفرین ما هم پشت سرتان نیست. البته ضمن احترام

بحث برای اثبات این که «سال ۱۴۰۱ آغاز سده نوست» می‌باشند. عده‌ای از بزرگ‌ترهای فامیل که به‌دلیل خلاص شدن از دست خرید موز و مرغ و بچه‌های فامیل قند دل آب می‌کنند، در حال مکالمه‌ی تلفنی و خوردن سوگند به همه‌ی مقدسات جهان هستند که ما پول نو هم از بانک گرفته‌بودیم جان شما! این شرایط بیماری دست و پای ما را بسته و از دیدار گل روی شما محروم شده‌ایم. دسته‌ای هشتگ به سفر نمی‌رویم را با جدیت و البته از خطه‌ی شمال با شلوارک و در حال باد زدن جوجه‌کباب منتشر می‌کنند؛ در حالی که «کار واجبی داشته‌اند» و «این جا در داشبورد ماسک دارند به خدا» و قدردان کادر درمان ایتالیایی‌پسند! هستند. گروه آخر اما ما





سيزده بدر خجسته باد!